

اگر دادگستری قوی داشته باشیم سایر نهادها فاسد نخواهند شد

در راستای برگزاری نمایشگاه جامع عملکرد ۳۰ ساله قوه قضائیه، مصاحبه‌هایی با برخی از نقش‌آفرینان و مدیران اصلی سه دهه بعد از انقلاب انجام گردید که از نظر تاریخی حاوی نکات ارزنده و قابل توجهی است. لذا به منظور استحضار خوانندگان، بخش تاریخی ماهنامه را به گفت‌ووشنود انجام شده با جناب آقای دکتر محقق داماد اختصاص می‌دهیم.

■ از چه روزی نخستین مقام قضایی به شما محول و وارد قوه قضائیه شدیدی؟

بنده در اواخر سال ۱۳۵۸، به دعوت مرحوم دکتر شهید بهشتی برای تأسیس کمیسیون‌های تدوین و تهیه قانون به همکاری دعوت شدم. در واقع ۲ تا ۳ روز پس از استقرار مرحوم آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله موسوی اردبیلی به عنوان رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور، بنده به دلیل سوابق و آشنایی با نظام حقوقی، برای همکاری با این بزرگواران دعوت شدم آن وقت قرار بود تشکیل کمیسیون‌ها را برای تدوین قوانین و نگارش لوایحی برای تصویب قانون بر عهده بگیرم. کمیسیون‌های مختلفی را تشکیل دادم از جمله کمیسیون آیین دادرسی که به اتفاق برادرم حضرت آیت‌الله سید علی محقق، در این کمیسیون شرکت می‌کردیم. از عالی‌ترین قضات و فقها در کمیسیون‌های مختلف شرکت و لوایح را تنظیم می‌کردند تا این که تهیه لوایح پایان یافت (در اواسط سال ۱۳۶۰ که سال ۱۳۶۰ را امام (ره) سال قانون نامیده بودند). در اجرای نظر و فرمان ایشان نسبت به نام‌گذاری سال قانون، قوه قضائیه تصمیم گرفته بود برای اجرای اصل ۱۷۴، سازمان بازرسی کل کشور را تأسیس کند. قبل از انقلاب سازمانی وجود داشت به نام سازمان بازرسی شاهنشاهی که زیر نظر شاه هیئتی را اعزام می‌کرد. نخستین قانونی که در شورای انقلاب تصویب شد، انحلال سازمان بازرسی شاهنشاهی و تأسیس سازمانی به نام سازمان بازرسی بود که در آن سازمان بازرسی شاهنشاهی و بازرسی دادگستری با یکدیگر ادغام شدند. وقتی سال ۱۳۶۰ شد ابتدا من برای آن سازمان منصوب شدم و سپس قرار شد که من قانون سازمان بازرسی کل کشور را که قانون اساسی پیش‌بینی کرده بود بنویسم؛ زیرا سازمان قبلی دیگر نمی‌توانست مصداق سازمان مصوبی باشد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. از این رو، به اتفاق قضات عالی‌رتبه، قانون سازمان مزبور و آیین‌نامه آن را نوشتیم و قانون آن را مجلس تصویب کرد؛ در حالی که من رئیس سازمان قبلی بودم. پس از اینکه قانون تصویب شد سازمان قبلی منحل و من به ریاست نخستین سازمان بازرسی کل کشور منصوب شدم که مصوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. اختیارات این سازمان بسیار وسیع بود و همان تعبیری را که در قانون اساسی آمده بود برای نظارت بر دستگاه‌ها، حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین برعهده داشت. البته در عبارت اینطور بود که در «دستگاه‌های دولتی» که ممکن بود این دستگاه‌ها به تفسیر بعضی، فقط قوه مجریه را شامل شود و قوه قضائیه را در برنگیرد اما عده‌ای از صاحب‌نظران

نظرشان بر این بود (که البته خود بنده این عقیده را داشتم) که کلمه دستگاه‌های دولتی به معنای دستگاه‌های غیرقضایی نیست؛ زیرا اداره کل بازرسی دادگستری در آن ادغام شده بود. آن سال، سال عجیبی بود و کشور با مسائلی مختلفی روبه‌رو شده بود. مسایل مناقان، مسایل دادگاه‌ها، دادگاه‌های انقلاب و مسایل بسیار زیادی وجود داشت حتی دیوان عدالت تشکیل نشده بود و بار بیشتر این مسایل به دوش سازمان بازرسی کل کشور افتاده بود، شکایت‌ها، تخلفات، مسایل، عرض حال‌ها و... از این بالاتر مدتی که از سال گذشت حدوداً همراه بود که بنده رئیس بازرسی شدم (سال ۱۳۶۱) که امام برای استحکام بخشیدن بیشتر به این بعد قانون، فرمانی را صادر کردند که به فرمان هشت ماده‌ای معروف شد. فرمان هشت ماده‌ای خطاب به چند نفر بود، رئیس دیوان عالی کشور که رئیس قوه قضائیه بود (آن وقت هنوز شورای عالی قضایی وجود داشت و ما رئیس قوه قضائیه نداشتیم رئیس دیوان عالی کشور در واقع نقش رئیس شورای عالی قضایی را ایفا می‌کرد)، نخست وزیر، رئیس بازرسی کل کشور، رئیس دیوان عدالت اداری و وزیر کشور، این چند نفر مسئول اجرای فرمان هشت ماده‌ای امام در واقع عمده حقوق شهروندی در همان هشت ماده ملحوظ شده بود. هیئتی که هیئت اجرای فرمان نامیده می‌شد هر شب جلسه داشت و از من خواستند، منشوری در جهت اجرای این فرمان بنویسیم. یک منشور ۲۴ ماده‌ای نوشتیم که به نظر امام (ره) هم رساندیم که امام همه را مورد تشویق قرار دادند که این منشور بسیار عالی است و در واقع این منشور شهروندی بود که هنوز هم عده زیادی که دم از حقوق شهروندی می‌زنند از آن منشور تعلیم می‌گیرند و از آن استفاده می‌کنند.

جالب این است که این فرمان تا اندازه بسیار زیادی موفق و از بسیاری کارها جلوگیری شد. بعضی از بزرگوارانی که از نظر سنی لاقفل در سن من هستند به خاطر دارند که گزینش‌ها چه می‌کردند، قانون اداره‌ها چه می‌شد و چه عدم امنیت شغلی‌ای به وجود می‌آمد. واقعاً عجیب بود هیچکس امنیت شغلی نداشت و نمی‌دانست فردا بر سر یک پست هست یا نه، به دلیل اینکه گروه‌هایی در درون وزارتخانه‌ها، و اداره‌ها افراد را آزار می‌دادند، اتهام می‌زدند، بیرون می‌کردند اما با این فرمان و پی‌گیری بسیار زیادی که شد (من باید از افرادی که با ما همکاری کردند و با پشتیبانی آنها ما فعالیت می‌کردیم سیاست‌گذاری کنم. امیدوارم هر جا هستند موفق باشند) ما بخش عمده‌ای از اهداف را پیش بردیم اما نمی‌گویم به ایده‌آل رسیدیم.

■ این اشخاص چه کسانی بودند؟